



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر اول: عنوان بحث - نظر مشهور

سال: پنجم

تاریخ: ۱۵ دی ۱۳۹۲

مصادف با: ۳ ربیع الاول ۱۴۳۵

جلسه: ۴۸

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### صحیح و اعم:

بحث جدیدی که از امروز شروع می‌کنیم بحث صحیح و اعم است، در مورد عنوان این بحث اختلافاتی واقع شده است، قبل از اینکه اصل بحث را ذکر کنیم که صحیحی و اعمی چه می‌گویند، این نزاع چه ثمره‌ای دارد، ادله اینها را ذکر و بررسی کنیم و حق در مسئله معلوم شود لازم است مقدماتی را مورد بررسی قرار دهیم که یکی از آن مقدمات در رابطه با عنوان این بحث است، مقدمه دیگر این است که آیا مبحث صحیح و اعم متفرع و مترتب بر بحث حقیقت شرعیه است یا بحث مستقلی است؟ مسئله دیگر که باید مورد بحث قرار گیرد بحث از خودِ صحت و فساد است که اصلاً معنای صحت و فساد چیست؟ مسئله دیگر تحریر محل نزاع است که نزاع در باب صحیح و اعم در چیست؟ ثمره این نزاع چیست؟ اینکه بحث واقع شده الفاظ عبادات و معاملات برای صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد چه ثمره‌ای دارد؟ اینها مباحثی است که ما به عنوان مباحث مقدماتی باید به آنها اشاره کنیم.

اجمالاً در این بحث ما به دنبال این هستیم ببینیم آیا مثلاً لفظ «صلوة» که دال بر یک عبادت مخصوص است فقط بر صلوة صحیح تام الاجزاء و الشرائط صدق می‌کند یا بر اعم از صلوة صحیح تام الاجزاء و الشرائط و فاقد آن صدق می‌کند؟ بحث در صدق عنوان است. پس بحث در این نیست که نماز فاقد اجزاء و شرائط مقبول و مسقط ذمه هست یا نه؟ چون مسلم است که نماز فاقد اجزاء و شرائط مسقط تکلیف نیست؛ مثلاً نماز بدون رکوع و سجود مسقط تکلیف نیست، همچنین نماز بدون وضوء ذمه مکلف را از تکلیف بری نمی‌کند و خواندن چنین نمازی امثال محسوب نمی‌شود، نماز در صورتی مسقط تکلیف و مبرء ذمه است که اجزاء و شرائط مأموریه رعایت شده و چیزهایی که مورد نهی قرار گرفته ترک شده باشد؛ مثلاً نماز در پوست ما لایوکل لحمه نمازی نیست که مبرء ذمه باشد، پس در این مسئله هیچ بحثی نیست که نماز با وجود اجزاء و شرائط پذیرفته است و نماز صحیح نمازی است که عند الله مقبول است و اجر و ثواب بر آن مترتب می‌شود ولی نماز فاسد که فاقد اجزاء و شرائط معتبره باشد قطعاً مورد قبول واقع نمی‌شود.

پس دعوا و نزاع در صدق عنوان است که آیا مثلاً لفظ «صلوة» (طبق بیان مشهور از عنوان بحث) برای نماز صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده است؟ یعنی آیا لفظ «صلوة» برای خصوص نماز صحیح وضع شده به این معنی که اگر

نماز صحیح نباشد مثلاً کسی بدون وضوء نماز بخواند به کاری که انجام می‌دهد نماز گفته نمی‌شود یعنی لفظ «صلوة» برای نماز فاسد وضع نشده یا برای اعم از فاسد و صحیح وضع شده است؟ پس بحث در این است که آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادات و معاملات صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده‌اند؟ خلاصه آن که اجمالاً در بحث صحیح و اعم نظر به این است که طبق آنچه مشهور گفته‌اند آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادات و معاملات صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از عبادات و معاملات صحیح و فاسد وضع شده‌اند؟

### **امر اول: عنوان بحث**

مطلب اول این است که عنوان بحث چه چیزی باید باشد؟

قهرأ انسان وقتی می‌خواهد بحثی را مطرح کند درست است که عنوان آن بحث مهم نیست بلکه خود بحث و ادله و انظار مربوط به آن مهم است ولی بالاخره وقتی می‌خواهد یک عنوانی را برای یک مطلبی ذکر کند بهتر است این عنوان یک عنوان جامع و فراگیر باشد، چون هر چه عنوان بحث جامع‌تر باشد کمال بحث محسوب می‌شود، البته اگر عنوان هم جامع نباشد مشکلی پیش نمی‌آید اما طبیعی است که بهتر است عنوان بحث جامع و فراگیر باشد.

### **نظر مشهور:**

مشهور و اکثر قدما تا قبل از مرحوم آخوند عنوان این بحث را این گونه ذکر کرده‌اند: «انّ الفاظ العبادات و المعاملات هل هی موضوعةٌ بازاء خصوص الصحیحة او الأعم؟»؛ آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادت صحیح وضع شده یا برای اعم از صحیح و فاسد؟

### **نظر مرحوم آخوند:**

ایشان می‌گویند: «انّ الفاظ العبادات و المعاملات اسامٍ للصحیح منها او للأعم؟»؛ ایشان به جای «موضوعة» کلمه «اسامٍ» را بکار برده و می‌گویند: آیا الفاظ عبادات و معاملات اسم برای عبادت صحیح هستند یا اسم برای اعم از صحیح و فاسد هستند.<sup>۱</sup>

بعضی از شاگردان مرحوم آخوند از جمله محقق عراقی<sup>۲</sup> هم همین مطلب را گفته‌اند.

### **نظر محقق اصفهانی:**

بعضی دیگر عنوان سومی را برای بحث صحیح و اعم ذکر کرده که البته ریشه این حرف هم از کلمات مرحوم آخوند گرفته شده و آن این است که: «انّ الاصل فی استعمال الشارع لالفاظ العبادات و المعاملات ماذا؟»؛ اصل در استعمال شارع برای الفاظ عبادات و معاملات چیست؟ در این عبارت کلمه «موضوعة» و «اسامٍ» بکار نرفته بلکه گفته شده اصل در استعمال شارع برای الفاظ عبادات و معاملات چیست؟ آیا اصل این است که این الفاظ در خصوص عبادات و معاملات صحیح

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۴.

۲. بدایع الافکار، ج ۱، ص ۱۰۹.

استعمال شوند یا اصل این است که این الفاظ در اعم از عبادات و معاملات صحیح و فاسد استعمال شوند؟ منظور از اصل این است که تا زمانی که قرینه‌ای بر خلاف نیامده اگر گفتیم اصل استعمال این الفاظ در خصوص صحیح است باید معنای صحیح را استفاده کرد یا اگر گفته شود اصل این است که این الفاظ در اعم از صحیح و فاسد استعمال شوند قهراً معنای اعم را باید استظهار کرد. از جمله کسانی که این نظر را قائل است محقق اصفهانی<sup>۱</sup> و امام (ره) است. امام (ره) می‌گوید: «والاولی ان یعنون البحت هکذا».<sup>۲</sup>

#### بررسی نظر مشهور:

اگر بگوییم عنوان بحث این است که الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادات و معاملات صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده‌اند؟ اشکالاتی متوجه این نظریه می‌شود و شاید به خاطر همین اشکالات بوده که مرحوم آخوند (ره) عنوان را عوض کرده و به جای کلمه «موضوعه» کلمه «اسام» را بکار برده است.

#### اشکال اول:

اگر عنوان بحث را چیزی قرار دهیم که مشهور گفته‌اند، یعنی بگوییم «ان الفاظ العبادات و المعاملات هل هی موضوعه بازاء خصوص الصحیح او الاعم؟» مستلزم آن است که به طور کلی کسانی که قائل به عدم ثبوت حقیقت شرعیه هستند از این بحث خارج شوند؛ به عبارت دیگر کسانی که منکر حقیقت شرعیه هستند نباید وارد این نزاع شوند و عده‌ای صحیحی و عده دیگر اعمی باشند و باید از دایره نزاع صحیح و اعم خارج شوند؛ چون کسی که منکر حقیقت شرعیه است در واقع اساس وضع الفاظ عبادات برای صحیح یا اعم را منکر است، منکر حقیقت شرعیه در واقع مدعی است شارع وضعی ندارد نه تعییناً و نه تعیناً و می‌گوید شارع الفاظ عبادات و معاملات را در محیط شرع برای یک معنای مخصوص شرعی وضع نکرده بلکه این الفاظ را مجازاً در معانی مورد نظر و به کمک قرینه استعمال کرده است.

حال کسی که اساس وضع شارع را تعییناً و تعیناً منکر است معنی ندارد بحث کند از اینکه آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادات و معاملات صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده است؟ و دیگر وجهی برای این بحث وجود نخواهد داشت چون منکر حقیقت شرعیه اصل وضع را قبول ندارد و حال آنکه این بحث مبتنی بر پذیرش اصل وضع از طرف شارع است، لذا این عنوان که از طرف مشهور مطرح شده عنوان جامع و فراگیری نیست؛ چون مستلزم خارج کردن منکرین حقیقت شرعیه از دایره محل نزاع است در حالی که منکرین حقیقت شرعیه هم داخل در این نزاع و بحث هستند و وجهی ندارد ما آنها را از دایره بحث خارج کنیم.

<sup>۱</sup>. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۹۲.

<sup>۲</sup>. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۴۱؛ تهذيب الاصول، ج ۱، ص ۶۷.

ممکن است گمان شود این اشکال وارد نیست؛ زیرا اساس این اشکال مبتنی بر این است که ما نتوانیم نزاع بین صحیحی و اعمی را بنا بر قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه تصویر کنیم در حالی که تصویر این نزاع بنا بر انکار حقیقت شرعیه هم ممکن است، پس اساس این اشکال مبتنی بر عدم امکان تصویر نزاع صحیحی و اعمی بنا بر قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه است در حالی که تصویر این نزاع بنا بر قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه هم ممکن است و بعضی این نزاع را تصویر کرده‌اند که در بحث بعدی به آن اشاره خواهیم کرد. لذا وقتی اصل تصویر نزاع ممکن باشد مشکلی برای این عنوان نیست.

ولی مسئله این است که این نزاع اگر چه به نحوی قابل تصویر است ولی سخن در خود عنوان است. کسی که منکر حقیقت شرعیه است در واقع استعمال این الفاظ را مجازی می‌داند و قطعاً چنین کسی دیگر نمی‌تواند بحث کند که آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟

**بحث جلسه آینده:** اشکال دوم و بررسی آن را انشاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»